



موسیقی ضربی ایران ————— ران

آنچه در زیر می‌آید، متن گفتاری است که بوسیلهٔ سردبیر مجلهٔ موسیقی دربرنامهٔ موسیقی ضربی ایران که عنوان یکی از برنامه‌های جشن فرهنگ و هنر در تالار رودکی بود، ادا شده است.

هم چنانکه همه میدانیم ضرب یا ریتم یکی از عناصر اساسی و سازنده زندگی است. ریتم حرکت و جنبش است و حرکت و جنبش، خون زندگی است. نگاهی به پیرامون طبیعی، بخوبی آشکار ساز این نکته است که نه تنها زندگی انسان، بلکه همه نمودهای طبیعی، زندگی و جلوه‌ی خود را از وزن و ریتم دریافت میکنند. شکاف‌های يك باتلاق کهنه، توالی ستیخ کوه‌ها، قرارگیری درختان و بوته‌های جنگلی همه گویا انتظامی است که بر اساس طبیعت ریتمیک استوار شده است. انسان و رفتارهای اجتماعی او نیز محتوایی

ریتمیک دارد که یکی از عناصر اساسی و سازنده‌ی خصلت‌های گروهی است .
 موسیقی نیز که خود پدیده‌ای اجتماعی است، پایه بر وزن و ریتم دارد.
 پژوهش‌های بسیاری از محققان و موسیقی‌شناسان این نتیجه را بدست می‌دهد
 که نخستین عامل از عوامل اصلی دوگانه سازنده موسیقی که برای نخستین
 بار انسان با آن رویاروی شده است، ریتم است . مطالعه‌ای در موسیقی جوامع
 طبیعی و اولیه که هنوز بازماندگانی دارند، نتیجه‌ی یاد شده را تایید و تصدیق
 میکند. موسیقی بسیاری از تیره‌های آفریقائی موجود، تنها ریتم است . چیزی
 که با همه جوانب زندگی آفریقائیان آمیزشی عمیق دارد .
 در مراسم مذهبی، در آئین‌ها و شعائر، در جنگ و ستیزها، در سوگواری‌ها
 و در جشن‌ها ، تنها ریتم است که عواطف گونه‌گون و انسانی آنان را بازگو
 میکند . پاگرفتن و رواج روز افزون موسیقی جاز که فرزند خلف موسیقی
 آفریقا است، جاذبه جهانی ریتم و ضرب را آشکار می‌سازد. گرایش نسل جوان
 به انواع هنرهای ریتمیک و آنچه که با ضرب و حرکت سروکار دارد، مسئله‌ای
 نیست که بتوان آنرا سرسری گرفت . ماشینیسم و آمیختگی شدید آن با زندگی
 امروز و نفوذ پرشتاب وریشه‌های آن در همه مظاهر فرهنگی و اجتماعی ارزش
 حرکت و جنبش را، در دید نسل جوان صدچندان کرده است . جامعه موسیقی
 ایران بسبب بسیاری حوادث تاریخی - اجتماعی تا چندی پیش ارزش ریتم را
 آنگونه که باید و شاید در نیافته بود. درست است که ردیف موسیقی ایران ،
 بظاهر فاقد ریتم مینماید و در فضائی بی جنبش حولان میدهد ، ولی با نگاهی
 ژرف تر میتوان نوعی ریتم پنهان و خود بخودی را در تمامی لحظات آن پیدا
 کرد . لایه‌های فلسفی و عرفانی موسیقی میهن ما از تظاهر شدید و چشم گیر
 عناصر ریتمیک آن جلوگیزی میکند . با وجود این مجموعه یک دستگاه و یا
 حتی مجموعه یک گوشه از هر دستگاه ، واجد ریتمی کلی است که سبب انتظام
 منطقی آن دستگاه یا گوشه میشود .
 از آن گذشته ، از یکی دو قرن پیش آهنگ سازان میهنی با الهام از
 ردیف موسیقی موجود، به آفرینش قطعاتی پر حرکت و جنبش دست برده‌اند .
 که اینک اجزای جدائی ناپذیر موسیقی ایران را می‌سازند . پیش درآمد ،

چهار مضراب، رنگ و تصنیف در این زمینه قابل یادآوری است. با وجود این اگر بپنداریم که اجزا و عناصر ریتمیک در موسیقی ایران به همان ردیف و ملحقاتش پایان میگیرد، به خطا رفته‌ایم، و بخشی عظیم از میراث موسیقی میهن خود را نادیده انگاشته‌ایم. موسیقی غنی و دل‌انگیز و پراز جنبش روستائی، آنچه که هفتاد و پنج درصد از توده‌های مردم ما با آن سروکار دارند. موسیقی روستائی ایران اصیل‌ترین بخش از مجموعه سیستم موسیقی ما است. گفتیم اصیل‌ترین، زیرا که بسبب بعد جغرافیائی و عوامل استراتژیک، روستاهای ایران غالباً از حوزه‌ی تاثیر عوامل بیگانه بدور مانده‌اند و آنچه را که داشته‌اند، آسان‌تر صیانت کرده‌اند. پژوهش در موسیقی بومی ایران بخوبی بازگوکننده‌ی حرکت و جنبش در موسیقی کهن ایران است. ریتم‌ها در موسیقی بومی در خدمت مضامین گونه‌گون رزمی، بزمی، عاشقانه، حرفه‌ای و مضامین دیگری قرار دارد که بازتاب صادق زندگی روستائیان ما است.

امروز جهان غرب نیز ارزش‌های والای موسیقی بومی شرق را دریافته و میکوشد تا از آن و بخصوص از عناصر ریتمیک آن برای راه‌گشائی آینده‌ی خود مدد بگیرد. در این راه نه تنها ریتم‌ها بلکه سازهای ریتم ساز و ضربی مشرق نیز در ارکستراسیون‌های غربی بکار گرفته میشود. سازهایی چون «گنگ»، از آسیای جنوب شرقی، طبله از هندوستان و حتی اخیراً تنبک ایرانی در ارکستراسیون‌های غربی درخسیده‌اند.

بنابراین، ضرورت مطلق است که مانع ریتم‌های زنده‌ی موسیقی خود را بیش از پیش، و نه از سر تفنن، بشناسیم و بشناسانیم. چنین کاری برای هنرمندان میهن مانع مفید خواهد بود. زیرا که با دریافت عمیق‌تر ارزش ضرب‌های ملی، از آن در آفرینش‌های خود بهره خواهند گرفت.